

آنچه امروز «زندگینامه» یا «سرگذشت» یا «شرح حال» می‌نامیم، در گذشته اسلامی «ترجمه حال» و در گذشته ایرانی «کارنامه» نامیده می‌شد. می‌دانیم که پیشینه زندگینامه‌نویسی را می‌شود در خداینامه و کارنامه اردشیر بابکان دوره ساسانی پی گرفت. از این دورتر هم البته می‌شود رفت تا در سنگ‌نبشته‌های هیروگلیفی پرستشگاه‌ها و آرامگاه‌های مصری، یا سنگ‌نبشته‌های میخی کاخ‌های آشور، و یا کتیبه‌های بیستون سررشته این نوع از نوشتار را یافت. پر پیدا است که در آن دوره‌های باستانی هدف آن نوشته‌ها، بیش و کم، بزرگانگاری هرچه تمام‌تر فرمانروایان و بزرگان می‌بود. بر پایه چنین هدفی عیار واقعیت این نخستین زندگینامه‌ها چندان بالا نبوده است.

در پهنه اسلام ردیابی زندگینامه ما را به کتب سیر می‌رساند که ریشه در صدر اسلام دارند و بر پایه اخبار جاهلیت و احادیث صحابه و تابعین رسول‌الله شکل گرفته‌اند. در این کتاب‌ها که در سیر تاریخی به مناقب و مقامات عرفا و اولیا (نمونه‌های برجسته‌اش: اسرارالتوحید در شرح ابوسعید ابوالخیر به فارسی و نیز تذکرة الاولیای عطار به فارسی) و سیره سلاطین می‌رسند، بنا به حال و هوای زمانه، چه زندگی انبیا و اولیا و عرفا محور می‌بود و چه زندگی خلفا و حاکمان، نگارندگان روی واقعیت را به بزک افسانه می‌آراستند. در میان زندگینامه‌های فرمانروایان کتاب تذکرة شاه طهماسب (یا تاریخ شاه

طهماسب) به روایت خودش به زبان فارسی نام آور است. برخی از اندیشمندان و دانشمندان مسلمان ایرانی نیز به نگارش شرح حال خود پرداخته‌اند. برای نمونه می‌شود از المنقذ من الضلال محمد غزالی نام برد که از جنس اعتراف و خویشتن‌نگاری به شمار می‌آید.^۱ همچنین ابو سعید جوزجانی رساله‌ای درباره‌ی ابن سینا دارد که بخش نخست آن را از قول خود ابن سینا نقل می‌کند.

در زندگینامه‌های یونانی قدیم، به پیروی از باورهای یونانیان، این سرنوشت است که کانون می‌شود و نه فرد؛ با این همه، در آنها هم می‌بینیم که واقعیت و خیال درهم آمیخته‌اند. رد زندگینامه را در کارهای ایسوکراتس و گزنفون در سده پنجم پیش از میلاد می‌توان گرفت و رنگ و لعاب مدیحه را در آنها دید. از زمره نخستین زندگینامه‌های مردم عادی می‌شود از «گفتگوهای افلاطون» در سده چهارم پیش از میلاد و «انجیل‌های عهد جدید» در دو سده اول میلادی نام برد که گرچه به نیت شکوه‌بخشی نوشته نشده‌اند، از هم‌ترازی نقادانه، چندان که باید، بهره نبرده‌اند.

پلوتارک یونانی در سده دوم میلادی با کتابش به نام زندگی‌های هم‌رو - یا به بیان دایرة‌المعارف مصاحب: زندگی‌های مقایسه شده - معیار تعادل را به کار می‌آورد. او در این کتاب^۲ به روشی قیاسی به شرح حال بزرگان یونان و روم می‌پردازد و رابطه میان معیارهای اخلاقی و دستاوردهای دنیوی را به سنجش می‌گیرد تا سر آخر به نتیجه‌ای اخلاقی و آموزنده برسد. دو سده بعد قدیس آوگوستینوس در «اعترافات» خود، با سنجش رفتار و کردار خود پیش از گرویدن به مسیحیت و پس از آن، به داوری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱. احمد اشرف در مقاله‌های پژوهشی خود در این زمینه (منتشر شده در نشریه ایران‌نامه) به تفاوت میان خودزندگینامه‌های اعترافی غربیان با حدیث نفس در فرهنگ اسلامی - ایرانی می‌پردازد و آن را در رویکرد اولی به اعتراف به گناهان و در رویکرد دومی به «سیر و سلوک عرفانی و یا گذار از شریعت به طریقت و حقیقت» می‌بیند. همچنین، دوایت رینولدز (Dwight F. Reynolds)، استاد مطالعات دینی دانشگاه کالیفرنیا، در پیشگفتار کتابش (ترجمه خود: خودزندگینامه در سنت ادبی زبان عربی)، بر پایه آنچه جلال‌الدین سیوطی در مقدمه خودزندگینامه‌اش (الشهدى بنعمه الله، سده پانزده میلادی) می‌گوید، از تفاوت نگرش سیوطی و پیروان روش او با نگرش نویسندگان غربی به خودزندگینامه‌نویسی سخن به میان می‌آورد. رینولدز می‌گوید در حالی که برخی از خودزندگینامه‌های اروپایی سده‌های میانی و دوره پیش‌مدرن بیانگر رویکردی اعترافی به نیت افشای گناه و خطای نگارنده در برابر دیدگان دیگرانند، جریانی از سنت زندگینامه‌نویسی در زبان عربی که سیوطی نمونه آن است، هدف از نگارش را شکر نعمت‌های الهی و ارائه سرمشقی از یک زندگی متعالی می‌داند. به بیان روشن‌تر در جایی که گروه اول شرمسارکژی‌ها و کاستی‌های نگارنده خودزندگینامه است، گروه دوم حکایت از سربلندی نگارنده از برخورداری از زندگی نمونه‌ای دارد که می‌بایستی از سوی آیندگان تقلید شود. همان‌گونه که هدف از نقل و روایت احادیث نیز به دست دادن الگویی از زندگی رسول‌الله بود.

۲. گزیده آن به فارسی به نام حیات مردان نامی در ۱۳۳۶ تا ۱۳۳۸ در تهران چاپ شده.

شرح زندگانی من

یا

تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجار

جد اول
از آقا محمدخان تا آخر ناصرالدین شاه



چاپ دوم

بسمایه کتابفروشی زوار تهران - کراچی - لاہور

چاپ تهران مصور



• عبدالله ستوفی نویسنده کتاب «شرح زندگانی من»

باریک بینانه خویش می نشیند.

در ارویای سده های میانی نوشتن زندگینامه شهیدان و قدیسان رونق می گیرد؛ اما همچنان ساده لوحی و زودباوری میناست و اصل باورپذیری نادیده انگاشته می شود. در این حال کژی های انسانی و رویدادهای واقعی ناگفته می ماند تا صحنه درست در اختیار محاسن و معجزات قدیسان باشد. با این همه در این دوران تک و توک شرح حال های نامذهبی (مثل زندگی شارلمانی اثر آینهارد در سده نهم) یافت می شوند که با بیان زنده از شخصیت ها و رویدادها به کالبد این نوع از نوشتار جان می بخشند. در سال های پایانی سده های میانی زندگینامه های شاهان و سلحشوران و جباران هم بازاری می یابند. از زمره این کارها می توان به شهسواران میرگرد اثر تامس مالوری اشاره کرد.

رنسانس (کم و بیش از سده چهارده تا شانزده یا هفده) با خود دلبستگی به قدرت دنیوی و میل به ابراز وجود را به ارمغان می آورد. نوشتن درباره شاعران و هنرمندان باب می شود و جورج وازاری، نقاش ایتالیایی، زندگی هنرمندان (۱۵۵۰) را می نویسد. در همین دوره خودزندگینامه ی بن ووتو چلینی، Benvenuto Cellini، بیکرساز و فلزکار و نویسنده سده شانزده فلورانس، نمونه ای بارز از بیان و نمایش خویشتن به شمار می آید. خاطرات سن سیمون با پرداختن به دربار لویی چهاردهم در ورسای در سده هفدهم

بیانگر تأثیر قدرت مطلق سلطنت بر زندگی مردم می‌شود. در همین سده هفده در انگلستان نیز آثار نویسندگانی چون سمیوئل پیپس (Samuel Pepys) و جان اولین (Evelyn) و آیزک والتن (Izaak Walton) بیان نارسمی و خودمانی را در شرح حال‌نویسی به کار می‌بندند.

به این ترتیب با فرارسیدن سده هفده و هزده و دمیدن سپیده عصر روشنفکری یا روشنگری که سنجه‌های دقت و درستی را به کار می‌آورد، کار زندگینامه‌نویسی دگرگونی چشمگیری به خود می‌بیند. این دگرگونی در کارهای برتر آن زمان، چون زندگی سمیوئل جانسن (۱۷۹۱ میلادی) اثر جیمز بازول (Boswell) که نخستین زندگینامه مدرن به شمار می‌آید، یا در خود زندگینامه بنجمین فرانکلین امریکایی که واقع‌بینی آن چشمگیر است، و یا اعترافات ژان ژاک روسوی فرانسوی (برگردان فارسی در ۱۳۲۸) که رک‌گویی آن زبانزد است، به چشم می‌آید.

در سده نوزده روند زندگینامه‌نویسی شتاب می‌گیرد و نوشتن زندگینامه‌های گروهی هم رواج می‌یابد. از میان انبوه کارهای این سده می‌توان به شعر و حقیقت‌گفته، یا کارهای تامس کارلایل انگلیسی، و یا زندگی عیسای ارنست رنان اشاره کرد. بد نیست یادآوری شود که کارلایل زندگینامه را بخشی از تاریخ می‌انگاشت و نگرش او بر کار نخستین زندگینامه‌نویسان امریکایی تأثیرگذار بوده است. در آغاز سده بیست به برکت حضور فروید که بحث ناخودآگاه را پیش کشید، روانکاوی به زندگینامه‌نویسی راه می‌یابد. کار خود فروید به نام لئوناردو داوینچی (۱۹۱۰) و نیز روزنوشت‌های آنائیس نین، Anais Nin، (۱۹۴۴ - ۱۹۳۱) از همین مقوله به شمار می‌آیند. در این حال لیتن استریچی (Lyttton Strachey) با نوشتن آثاری جنجال‌برانگیز چون ویکتوریایی‌های برجسته (۱۹۱۸) و ملکه ویکتوریا (۱۹۲۱) انقلابی در کار زندگینامه‌نویسی تاریخی پدید می‌آورد و آن را از قید مدیحه‌گویی و شلخته‌گری می‌رهاند. گفتنی است که در این سده شمار شاعران و نویسندگانی که به نوشتن زندگی دیگران و یا خود پرداخته‌اند، بسیار است - برای نمونه: کارل سندبرگ، لونیس آنترمایر (Louis Untermeyer)، یکی از کتاب‌هایش به نام آفرینندگان جهان نو در ۱۳۷۲ در تهران چاپ شده، آندره موروا، اشتفن تسوایگ، امیل لودویگ، ایروینگ استون، رومن رولان، سیمون دوبوار، آندره مالرو، و رولان بارت.

توان دگرگون‌سازی سده بیست، روشن است که، در ایران هم به کار می‌افتد و تکانی به سنت زندگینامه‌نویسی می‌دهد. همراه با وزش نسیم بیداری از خواب غفلت و آگاهی

یافتن از دستاوردهای جهان مدرن، سال‌های پایانی دوره قاجار و دوره مشروطه خواهی شاهد روی آوردن فرهیختگان و دست به قلمان ایرانی به تاریخ و تاریخ‌نگاری و ثبت رویدادهای اجتماعی سیاسی است.^۱ روشن است که این توجه از اقتضای زمانه و نیاز به کوشش در بازشناسی خود به انگیزه دستیابی به هویت اجتماعی و ملی آب می‌خورد. جلوه‌ای از این گرایش آشکار و تازه در فزونی سرگذشت‌نویسی و یادنگاری باز می‌تابد و کتاب‌های بسیاری به قلم دولتمردان و اندیشمندان در قالب زندگینامه و یادنگاشت (خاطره) نوشته می‌شوند.^۲ برخی از پرآوازه‌ترین این کتاب‌ها چنین‌اند: خاطرات اعتمادالسلطنه، خاطرات تاج‌السلطنه، شرح زندگانی من به قلم عبدالله مستوفی (۱۲۵۵ - ۱۳۲۹ ش)، و زندگانی من از احمد کسروی (۱۳۲۴ ش). سپس نیز، چنان‌که افتد و دانید، زمینه و انگیزه برای گرایش به یادنگاری زندان و جنگ جریانی را به راه می‌اندازد که همچنان رو به گسترش دارد. اما سوای انگیزه‌های اجتماعی سیاسی که مایه رونق بازار زندگینامه و یادنوشت می‌شوند، بی‌تردید سوکسه جهانی زندگی‌نگاری و به‌ویژه شاخه یادنگاری آن نیز در رواج این‌گونه کتاب‌ها در بازار کتاب‌های فارسی سهمی به سزا دارد. بر این روال شمار کتاب‌هایی که برچسب زندگینامه، خودزندگینامه، و یادنوشت می‌خورند - چه آنها که در ایران منتشر شده‌اند و چه آنها که در بیرون از ایران - بسیار است و بسیاری‌تر نیز می‌شود. روشن است که کیفیت این آثار یکسان و یکدست نیست. در حالی که بسیاری از آنها از هرگونه ارزش ادبی بی‌بهره‌اند، برخی نیز بر پایه اصول مدرن زندگی‌نویسی نوشته شده‌اند و در میان آثار معتبر پژوهشی و یا حلقه آثار ناداستانی آفرینشگر جایگاهی یافته‌اند. از زمره پرآوازه‌ترین کتاب‌ها در این زمینه می‌شود از خاطرات علم، معمای هویدا (عباس میلانی)، لولیتا خوانی در تهران (آذر نفیسی)، داد پیداد (ویدا حاجبی)، پرسپولیس (مرجان ساتراپی)، زندانی تهران (مارینا نمت)، و دا (خاطرات سیده زهرا حسینی به قلم سیده اعظم حسینی) نام برد.

ناگفته پیداست که در پی دگرگونی‌های بنیادی سده بیست در زمینه‌های گوناگون،

۱. یک نمونه درخور اشاره از این کتاب‌ها کتاب تاریخ معاصر یا حیات یحیی است که در چهار جلد منتشر شده و نگارنده آن، یحیی دولت‌آبادی، در جلد نخست از دوره نوجوانی و تحصیل خود نیز سخن می‌گوید.
 ۲. رینولدز در کتاب نامبرده (در نخستین یادداشت)، با تأکید بر تفاوت سرچشمه‌های خودزندگینامه‌نویسی اروپایی با حدیث نفس‌های عربی، یادآور می‌شود که تاروپود سنت خودزندگینامه‌نویسی به زبان عربی در پیش از سده بیست از جنس پرس‌وجویی تاریخی است. این در حالی است که در غرب خودزندگینامه پس از نالی داستانی خود، یعنی رمان، است که در مقام یک ژانر ادبی جا می‌افتد و خواستار فراوان می‌باشد. به بیان دیگر رینولدز بر این باور است که در غرب نوشتارهای داستانی در شکل‌گیری مفهوم‌های «خود» ادبی پیشگام بوده‌اند.

سنت زندگینامه‌نویسی نیز چندوچونی بس دیگرگون یافته است. سوای افزایش پرشتاب شمار زندگینامه‌ها، می‌بایست به رواج زندگینامه‌های مردم‌پسند و بی‌بهره از ارزش ادبی اشاره کرد. این دسته از زندگینامه‌ها، برآمده از زمانه تولید انبوه کالا و فراگیر شدن خواندن، به نیت پاسخگویی به کنجکاوی عوامانه خوانندگان نوشته و روانه بازار می‌شوند تا در کتابفروشی‌ها و کتابخانه‌ها در کنار زندگینامه‌هایی که ارزش ادبی دارند، خودنمایی کنند. دگرگونی چشمگیر دیگر روی آوردن زنان به زندگینامه‌نویسی و نیز حضور پررنگ آنان در زندگینامه‌هاست که بی‌تردید با گسترش و رشد فمینیسم پیوند دارد. همچنین از ویژگی‌های برجسته زندگینامه‌نویسی این زمان تحول و تنوع شکل و قالب ارائه آن است که به یمن پیشرفت‌های فن‌آورانه صورت می‌گیرد و امکان زندگینامه چندرسانه‌ای را فراهم می‌آورد. سینما و تلویزیون با عرضه فیلم‌های مستند و نیمه‌مستند درباره شخصیت‌های نامدار تاریخ و ادب و هنر و یا حتی بت‌های مردمی چهره تازه‌ای به زندگینامه بخشیده‌اند. چه بسا بشود گفت که پیدایی و پرخواه‌اشی شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای «کانال سرگذشت» و «کانال تاریخ» نشانه پیش‌افتادن زندگینامه چندرسانه‌ای از زندگینامه کتابی است. بازار فیلم‌های سودآور و پرفروش پیرامون زندگی نام‌آوران نیز پیداست که گرم است. شکل دیگری که رایج است و بیشتر در قالب گفتگو یا مصاحبه صورت می‌گیرد، به جای پرداختن به واقعیت‌های زندگی فرد، بر ارائه تصویری از سرشت و شخصیت و آثار او تکیه می‌کند. گسترش پروژه‌های تاریخ شفاهی نیز نوع دیگری از زندگینامه مدرن را رقم می‌زند. تازه‌ترین فرم زندگینامه را هم در این زمانه چندرسانه‌ای در دیسک‌های فشرده و در شبکه جهانی به صورت مجموعه‌ای از متن و تصویر و نماهنگ (= نماآهنگ) می‌توان یافت.